

سیاست - سرگرمی در شبکه ماهواره‌ای «من و تو»

تحلیل گفتمان انتقادی پنج فیلم مستند

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۰۳

فرزانه نزاکتی^۱، مصطفی اسدزاده^۲

چکیده

سیاست - سرگرمی را می‌توان نوع جدیدی از ارتباطات سیاسی به شمار آورد که در قالب‌هایی مانند طنز سیاسی، فیلم مستند و نمایش تلویزیونی نمود می‌یابد. در این مقاله، به تحلیل نمونه‌هایی از سیاست - سرگرمی در شبکه ماهواره‌ای «من و تو» پرداخته‌ایم. بدین منظور، پنج فیلم مستند این شبکه («از تهران تا قاهره»، «۳۷ روز»، «رضاشاه»، «هرگز نخواب کوروش» و «آدرس: بهارستان») که به موضوعات انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران و رژیم پهلوی پرداخته‌اند را انتخاب کردیم. تحلیل گفتمان انتقادی این مستندها نشان داد که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان «دیگری» رژیم پهلوی تصویر شده است. امام خمینی (ره) به‌عنوان «دیگری» شاه پهلوی و طرفداران شاه و رژیم پهلوی و طرفداران امام (نیروهای انقلابی) نیز با عناصر گفتمانی کاملاً متفاوتی معرفی و تصویر شده‌اند. در این مستندها، رژیم پهلوی و شاه به‌عنوان «ما» (جبهه خودی) و انقلاب، امام و نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان «آنها» (جبهه دشمن) تعریف شده است. شاه، میراث‌دار هخامنشیان و کوروش خوانده شده و از این طریق، رژیم پهلوی، طبیعی جلوه داده شده است. در مقابل، انقلاب اسلامی، نتیجه دخالت بیگانگان و ابرقدرت‌های جهانی خوانده شده است. تاریخ سیاسی - اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز، به کشمکش و درگیری انقلابیون بر سر قدرت و تلاش برای از میان بردن مخالف فرو کاسته شده و بر نبود آزادی و تحمل مخالف در نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است. در بعضی از این مستندها، به‌صراحت در مورد آینده ایران گفت‌وگو و مخاطب به تلاش برای بازگرداندن رژیم پهلوی تشویق می‌شود. بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی این فیلم‌ها نشان داد که شبکه من و تو، در تلاش برای ترویج و هژمونیک ساختن گفتمان رژیم پهلوی و سلطنت‌طلبان و بدین ترتیب، بخشی از پروژه جنگ نرم رسانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران است.

واژه‌های کلیدی

سیاست - سرگرمی، گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، بازنمایی، شبکه ماهواره‌ای «من و تو»، فیلم مستند

nezakaty@gmail.com

^۱ دکتری ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

asadzadeh74@yahoo.com

۱. مقدمه

ارتباطات سیاسی، به‌عنوان علم مطالعه رابطه رسانه و سیاست، عمری تقریباً به درازای حیات رسانه‌های جمعی دارد. نظریه «رسانه‌ای شدن سیاست»^۱، درباره قدرت رسانه‌ها در شکل‌دهی به سیاست و افکار عمومی، مدت‌ها پیش از سوی اندیشمندان ارتباطات سیاسی از جمله والتر لیپمن^۲ مطرح و بحث‌برانگیز شد.

این نظریه، مبتنی بر این ملاحظات است که رسانه‌های همگانی محتوای سیاسی ایجاد می‌کنند و با روندهای سیاسی تداخل دارند. به‌ویژه در مواردی که اکثر مردم از دستیابی مستقیم به آنچه روی داده است محروم هستند (ماسولنی و شولتز، ۱۳۷۹: ۱۱). مانند رویدادهای تاریخی که برای نسلی که آن را بی‌واسطه درک نکرده است با بازنمایی رسانه‌ای روایت می‌شود. کاستلز، از این ویژگی رسانه‌ها به «فضای ساخته‌شدن قدرت»^۳ تعبیر می‌کند و بر این نظر است که رسانه‌ها فضایی را ایجاد می‌کنند که روابط قدرت در آن از خلال رقابت میان کنشگران اجتماعی و سیاسی تعیین می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۶: ۳۰۹). بر این اساس، پژوهشگران حوزه رسانه و سیاست معتقدند که قلمرو رسانه‌ها هنوز می‌تواند قلمرو سیاسی را تعیین کند (رابرتسون، ۱۳۹۶: ۲۴۴).

اما آنچه امروزه در ارتباطات سیاسی، خودنمایی می‌کند، درهم آمیختن سیاست و سرگرمی و مبهم شدن مرز میان آنهاست. امروزه سرگرمی منبع مهمی برای اطلاعات و فهم سیاسی است. به‌عبارت‌دیگر سرگرمی سیاسی، قادر به ارائه منابعی برای گفت‌وگو درباره سیاست است. سرگرم کردن^۴، معنای کاملاً متفاوتی دارد. این عبارت به معنای علاقه به‌وجود آوردن^۵، مشغول کردن^۶ و لذت بخشیدن^۷ است، درعین‌حال، معنای درگیر کردن و توجه دادن^۸ نیز دارد. نظریه‌سازی درباره اثربخشی سیاسی رسانه‌های سرگرم‌کننده، همچنان ادامه دارد و به این موضوع به‌عنوان شکلی از ارتباطات سیاسی در مقایسه با اخبار تلویزیون و روزنامه، توجه

1. Mediatization of Politics

2. W. Lippman

3. The Space of Power-Making

4. To Entertain

5. To Interest

6. To Amuse

7. To Give Pleasure

8. To Engage With and Consider

کمتری شده است. این در حالی است که پژوهشگران در سال‌های اخیر توجه زیادی به رسانه‌های سرگرم‌کننده داشته‌اند (رابرتسون، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

استفاده از سیاست به‌عنوان امری سرگرم‌کننده و یا سرگرمی ساختن از سیاست و سیاستمداران، تحت عنوان سیاست - سرگرمی^۱ شناخته می‌شود. سیاست - سرگرمی، به معنای در هم آمیختن بازیگران، موضوعات و فرایندهای سیاسی با فرهنگ سرگرمی است. با توجه به دونه (۲۰۰۱) دو نوع مختلف و البته مرتبط سیاست - سرگرمی را می‌توان با عنوان سرگرمی‌های سیاسی و سیاست‌های سرگرم‌کننده مشخص کرد که هر دو از ظرفیت رسانه‌های عمومی برای جذب گسترده مخاطب و ستاره سازی استفاده می‌کنند (دانسیک، ۲۰۰۸: آنلاین^۲).

سیاست - سرگرمی، «واقعیت سیاسی» را با ژانرهای معمول و جدید رسانه‌ای، در قالب‌های تلویزیونی جدید مانند طنز سیاسی، تلویزیون واقع‌نما^۳ و رئالیسم داستانی (در فیلم، برنامه تلویزیونی، سریال و بازی‌های ویدئویی تعاملی) در هم می‌آمیزد (ریگرت و کالینز، ۲۰۱۶: ۱). بنابراین هنگام مطالعه ارتباطات سیاسی، برای فهم روابط قدرت، باید به سیاست شهرت، موسیقی، تلویزیون واقع‌نما، کمدی و طنز، درام، تخیل و فانتری نیز توجه کرد (رابرتسون، ۱۳۹۶: ۲۰۸). این نوع ارتباطات سیاسی، می‌تواند یکی از عناصر ظاهراً بی‌ضرر دست‌کاری افکار عمومی به‌منظور جنگ روانی سیاسی باشد (ویکی‌پدیا^۴، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱).

پژوهشگران دریافته‌اند که برخی افراد در شرایط خاص و در برخی زمان‌ها نگرش سیاسی-شان را متأثر از برخی رسانه‌های سرگرم‌کننده اتخاذ می‌کنند. آگاهی و نگرش افرادی که رسانه‌های سرگرم‌کننده را با محتوای آشکار سیاسی مصرف می‌کنند، با اطلاعات و قاب‌بندی چنین رسانه‌هایی ارتباط دارد. سایر مطالعات نیز نشان می‌دهد که رسانه‌های سرگرم‌کننده می‌توانند منابع جایگزینی از اطلاعات درباره سیاست باشند؛ خواه برای کسانی که پیگیر اخبار هستند و افرادی که این‌گونه نیستند (رابرتسون، ۱۳۹۶: ۲۴۳-۲۲۹).

1. Politainment

2. <http://www.Blackwellreference.com/Public/Search?query=Politainment>

3. تلویزیون واقع‌نما (Reality Television): برنامه‌های تلویزیونی با محوریت زندگی واقعی انسان‌ها، برنامه‌های گفت‌وگو محور، معمولاً در زمره این نوع تلویزیون طبقه‌بندی می‌شوند.

4. <https://en.wikipedia.org/wiki/Politainment>

در این مقاله، قصد داریم به مطالعه‌ی یکی از مصداق‌های سیاست-سرگرمی در شبکه ماهواره‌ای «من و تو» بپردازیم. عوامل این شبکه تلاش دارند ایدئولوژی و گفتمان سیاسی مورد نظرشان را از طریق برنامه‌های سرگرم‌کننده و جذاب ارائه و مخاطب را با خود همراه کنند. فیلم‌های مستند سیاسی - تاریخی شبکه ماهواره‌ای من و تو درباره تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی، نمونه‌ی بارز این تلاش‌هاست. این شبکه، روایت دیگری از وقایع انقلاب و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد و فیلم‌های آرشیوی کمتر دیده‌شده و مصاحبه‌هایی با فرح پهلوی و سایر عوامل رژیم سابق را چاشنی این مستندها می‌کند. در این مقاله، به تحلیل گفتمان انتقادی پنج فیلم مستند این شبکه که به موضوعات انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران و رژیم شاهنشاهی پهلوی اختصاص دارند پرداخته‌ایم.

۲. چارچوب نظری

فیلم مستند را گونه‌ی واقع‌گرا و غیرداستانی برشمرده‌اند. اما حتی فیلم مستند هم نه عین واقعیت، که «بازنمایی^۱» واقعیت است. اگرچه در نظر اول، مستند، انعکاس واقعیت بدون دست‌کاری تلقی می‌شود اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که مستند، روایت واقعیت از منظر فیلم‌ساز است. حتی در تعاریف کلاسیک مستند، «تفسیر» و «خلاقیت» در مستندسازی مورد تأکید قرار گرفته است. جامع‌ترین تعریف کهن فیلم مستند که به جان گریسون^۲، مستندساز، نظریه‌پرداز و رهبر جنبش سینمای مستند انگلستان مربوط می‌شود، او فیلم مستند را «تفسیر خلاقانه‌ی واقعیت» دانسته است (ضابطی جهرمی، ۱۳۷۷: ۸۵).

بنابراین، در مستند نیز واقعه موردنظر بازنمایی می‌شود و نوعی برساخت واقعیت صورت می‌گیرد. در گذشته تصور بر این بود که رسانه‌های تصویری و به‌ویژه فیلم‌های مستند، واقعیت را «آینه‌وار» منعکس می‌کنند اما نظریه جدید بازنمایی تأکید دارد که کار رسانه‌ها نه انعکاس بی‌طرفانه واقعیت، بلکه ساخت اجتماعی واقعیت و معنا برای مخاطب است (بنت، ۱۳۸۶: ۱۲۱؛ استوری، ۱۳۸۶: ۲۳). چرا که هرگونه بازنمایی، ریشه در ایدئولوژی‌ای دارد که از آن منظر بازنمایی صورت می‌گیرد. از این‌روست که استوارت هال، مفهوم «سیاست بازنمایی^۳» را به کار می‌گیرد. این اصطلاح، روابط قدرت در روند دلالت و بازنمایی را توضیح می‌دهد. یعنی

-
1. Representation
 2. Grierson
 3. Representation Policy

دلالت و معنا سازی متأثر از روابط قدرت و متقابلاً تأثیرگذار بر آن روابط است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰).

درواقع، رسانه‌ها از طریق آنچه «بودریار» «فرا واقعیت»^۱ می‌خواند، به دنبال خلق واقعیت‌های جدیدی هستند. در این فرایند، رسانه‌ها از طریق نوعی سازوکار جانشینی، به جای «واقعیت»، امر واقعی جدیدی را می‌نشانند که کاملاً بر اساس ترکیب عناصر رمزگان تولید می‌شود. رسانه‌ها می‌کوشند با ترکیب برخی عناصر، واقعیت جدیدی را خلق کنند. در این حالت، واقعیت به نفع این واقعیت جدید، که از سوی خود رسانه تحقق می‌یابد، ملغی می‌شود و از بین می‌رود. در این فرایند، «فرا واقعیت» قدرت واقعیت را پیدا می‌کند (بودریار، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

بازنمایی فرهنگی و رسانه‌ای نه امری خنثی و بی‌طرف، که آمیخته به روابط و مناسبات قدرت جهت تولید و اشاعه معانی مرجح در جامعه است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶). از این لحاظ است که می‌توان بازنمایی را ایدئولوژیک دانست (کالورت و لويس، ۲۰۰۲: ۱۹۹).

بازنمایی همیشه در یک «گفتمان»^۲ صورت می‌گیرد. گفتمان تعیین می‌کند که درباره یک متن خاص، چه می‌توان گفت و چه نمی‌توان گفت (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹). به عبارت دیگر، گفتمان، نوعی زبان برای بیان مسائل و تاریخ است و به مانند یک «نظام بازنمایی» بسط می‌یابد تا مجموعه‌ای منسجم از معانی را درباره یک حیطة موضوعی مهم به وجود آورد و توزیع کند. این معانی در خدمت منافع آن بخش از جامعه است که گفتمان از درون آن سرچشمه می‌گیرد و از طریق عملکرد ایدئولوژیکی‌اش تلاش می‌کند آن معانی را به عقل سلیم مبدل سازد (فوکو، به نقل از استوری، ۱۳۸۶: ۲۴).

آن کسانی که به سبب برخورداری از قدرت می‌توانند شیوه‌های خودشان را برای شناخت جهان به شیوه گفتمانی اشاعه دهند، انگاره‌های غالب برای شناخت جهان (یا معنادار کردن آن) را ایجاد می‌کنند و همین انگاره‌ها «رژیم‌های حقیقت» را به وجود می‌آورند. این رژیم‌ها سپس به مرجعی برای نحوه تفکر و رفتار ما تبدیل می‌شوند (فوکو، به نقل از استوری، ۱۳۸۶: ۲۴). والتیسون از صاحبان قدرت به «سازندگان سیاست فرهنگی» یاد می‌کند و وظیفه اصلی آنان را کشف و تأثیر بر فرایندهای بازنمایی، تولید، مصرف و تنظیم بیان می‌کند و اینکه چگونه

1. Hyperreality
2. Discourse

این فرایندها بر شکل‌گیری‌های هویت مردم و به چه دلایلی تأثیر می‌گذارند (والتیسون به نقل از جی.پی.سینگ، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

این فرایند را می‌توان در تولید مستندهای سیاسی - تاریخی شبکه ماهواره‌ای «من و تو» دنبال کرد. مستندهایی که با ترکیب فیلم‌ها و مدارک آرشیوی خبرگزاری‌هایی مانند بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان، با مصاحبه‌های بازماندگان رژیم پهلوی، روایتی سوگیرانه از تاریخ سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی ارائه می‌دهند. به این ترتیب، واقعیت را بر اساس ایدئولوژی و اهداف خود، از نو می‌سازند.

تحلیل گفتمان برنامه‌های تولیدی شبکه «من و تو» (سلطانی و تفرشی، ۱۳۹۴) نشان داده است که دو هویت گفتمانی «مردم ایران» و «حکومت جمهوری اسلامی ایران» بیش از دیگر هویت‌ها در این شبکه بازنمایی شده است. «مردم ایران» در زنجیره هم‌ارزی شبکه قرار گرفته و «حکومت ایران» در زنجیره تفاوت با این شبکه. این پژوهش همچنین دریافت که شبکه من و تو، با بازنمایی منفی نظام جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر با پرداخت مثبت به «سلطنت پهلوی» تلاش می‌کند گفتمان رقیب خود را مورد حاشیه رانی قرار داده و هژمونی معنایی خود را تثبیت کند.

استفاده از سبک سیاست - سرگرمی از دیگر ویژگی‌های این شبکه است. به جز فیلم‌های مستند متعددی که این شبکه درباره انقلاب اسلامی و رژیم پهلوی تولید و پخش کرده است، برنامه‌هایی مانند «دکتر کُپی»، «تونل زمان»، «شبکه نیم» و «سالی تاک» نیز از دیگر برنامه‌های این تلویزیون ماهواره‌ای است که سیاست و سرگرمی را در راستای ترویج گفتمان و ایدئولوژی خود به هم می‌آمیزد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش کیفی، با روش تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است. هر رویکرد تحلیل گفتمانی با آزمون سطوح و ابعاد مختلف گفتمان، این کار را انجام دهد. در این پژوهش، با رهیافت تئون ون دایک، این سطوح و ابعاد، شامل اقلام واژگانی، گزاره‌ها، تلویحات، پیش‌فرض‌ها، توصیفات، انسجام موضعی و انسجام کلی بوده است (ون دایک، ۱۹۹۵).

در این پژوهش، نمونه‌گیری به روش هدفمند^۱ صورت گرفت و پنج مورد از مهم‌ترین مستندهای سیاسی - تاریخی شبکه من و تو که روایتی سیاسی و سرگرم‌کننده از تاریخ معاصر

ایران، رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ارائه داده و مصداق سیاست - سرگرمی محسوب شده، انتخاب شد که عبارت‌اند از:

۱. از تهران تا قاهره (درباره فرار شاه و انقلاب ایران)

۲. ۳۷ روز (درباره نخست‌وزیری بختیار)

۳. رضاشاه (درباره اقدامات رضا پهلوی)

۴. آدرس؛ بهارستان (درباره دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی)

۵. هرگز نخباب کوروش (درباره جشن‌های ۲۵۰۰ ساله)

پنج فیلم مستند مذکور، با رهیافت ون‌دایک، تحلیل‌گفتمان انتقادی شدند. این تحلیل‌ها می‌تواند نشان دهد که در مستندهای سیاسی - تاریخی شبکه تلویزیونی من و تو، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، رژیم شاهنشاهی و خانواده پهلوی چگونه بازنمایی شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. مستند «از تهران تا قاهره»

این مستند از مهم‌ترین مستندهای سیاسی - تاریخی شبکه من و تو است که چندین بار متوالی از این شبکه و حتی از دیگر شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب پخش شده است. پخش این مستند، در میان مردم ایران از طبقات و افکار مختلف بحث‌آفرین و چالش‌برانگیز بود.

مشخصات مستند:

تهیه‌کننده: رها اعتمادی

محقق: صبا خویی

کارگردان هنری: اندرو کیپ

مدیر تولید: ملیکا کسوانی

خلاصه مستند: در این مستند، فرح پهلوی (دیبا) از اظهار نظر درباره ناآرامی‌ها، اعتصاب‌ها و تظاهرات مردم در سال ۱۳۵۷ آغاز می‌کند و تا زمان مرگ شاه در مصر ادامه می‌دهد. این روایتگری با نمایش فیلم‌ها، گزارش‌ها و مصاحبه‌های خبری - تحلیلی از شاه، امام خمینی (۵)، انور سادات و دیگران که همان زمان در شبکه‌های مختلف خبری جهان پخش می‌شدند، ترکیب می‌شود. کارگردانی و مونتاژ فیلم به‌گونه‌ای است که گویا این فیلم‌ها همان‌جا در منزل کنونی فرح که محل گفتگو و فیلم‌برداری است، به او نشان داده و نظر او پرسیده می‌شود. نخستین واکنش فرح به چند مورد از این فیلم‌ها این است که: «من تا حالا این فیلم را ندیده

بودم.» بعد همان‌جا درباره موضوع اظهارنظر می‌کند و شواهد و استدلال‌هایی در دفاع از حکومت پهلوی، شاه و خانواده سلطنتی بیان می‌دارد. برای نمونه، در یک فیلم، امام خمینی^(۵) به موضوع هدر دادن پول نفت از سوی رژیم شاه اشاره می‌کند و می‌گوید: «امریکا مشتری خوبی برای نفت ایران نیست، چون به‌جای آن سلاح تحویل می‌دهد و نه پول.» فرح اظهار تعجب می‌کند و از تخصص شاه در امور اقتصادی و به‌ویژه فروش نفت و نقش او در اوپک می‌گوید. در همان زمان فیلم دیگری از مصاحبه‌های شاه پخش می‌شود که مؤید گفته‌های فرح است و نشان می‌دهد که شاه حافظ منافع و درآمدهای نفتی ایران بوده و اتفاقاً دلیل رنجش امریکا و اروپا و مخالفت‌های آنها با رژیم شاه تا سرنگونی‌اش همین بوده است.

تمهیدات گفتمانی این مستند

در این مستند، تأکید بر این است که انقلاب اسلامی، جابه‌جایی قدرت به‌وسیله ابرقدرت‌های جهانی (امریکا و انگلیس) بوده است. با این استدلال که بر سر مسئله افزایش قیمت نفت با شاه دشمن شده‌اند و نوعی حمله به ایران صورت گرفته است. اشاره می‌شود که نیروهای انقلابی در خارج از ایران آموزش‌دیده بودند و امام خمینی^(۶) و نظام جمهوری اسلامی، دست‌نشانده خوانده می‌شوند.

به انقلابیون، امام و سران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، به‌صورت کلیشه‌ای، خشونت، بی‌منطق بودن، قتل و کشتار بی‌گناهان نسبت داده می‌شود. در مقابل، شاه، دربار و طرفداران رژیم پهلوی، آرام، مهربان و خوش‌قلب، وطن‌پرست و متمدن تصویر می‌گردند.

در این مستند، این ایده که حکومت ایران، باید شاهنشاهی و ادامه سلطنت پهلوی باشد، طبیعی جلوه داده می‌شود. بدین ترتیب، در این مستند سعی شده با استفاده از گزاره‌های تفسیرگرا و طبیعت‌گرا، واقعیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی و شاه به گونه دیگری بر ساخته و روایت شود.

در این مستند به‌شدت از راهبرد قطبی‌سازی یا ترسیم مربع ایدئولوژیک (برجسته کردن و تفصیل دادن بدی‌ها و ضعف‌های طرف مقابل و کوچک جلوه دادن و عبوری گذرا به ضعف‌های خود) استفاده شده است. اهداف شاه، مفصل، با جزئیات و مثبت توصیف می‌شود، اما اهداف امام خمینی^(۷) به‌صورت مبهم، کلی و گذرا بیان می‌گردد. همچنین، بر اعدام‌های بعد از انقلاب تأکید می‌شود، اما از کشتارهای قبل از انقلاب، ساواک و زندانیان سیاسی و شکنجه و ترور هیچ سخنی به میان نمی‌آید.

جدول ۱. سطوح و ابعاد گفت‌مان در مستند «از تهران تا قاهره»

انقلاب اسلامی	شلوغی، شورش، مغزشویی جوانان، واپس‌روی، فریب، دروغ، خراب شدن، هرج‌ومرج، پستی، به قهقرا رفتن و از دست رفتن مملکت، نتیجه فشارهای خارجی، جریانی که از خارج هدایت‌شده، از سوی دولت‌های غربی حمایت می‌شده و به‌نوعی، حمله ممالک و قدرت‌های بزرگ به ایران و نتیجه رویارویی غرب با شاه بوده است.
نظام جمهوری اسلامی	تاریخ ایران باستان را انکار می‌کند. رژیم وحشت و ترور است که کارش کشتن انسان‌های بی‌گناه (از جمله سران ارتش و دوستان شاه) است. سران آن گانگستر و وحشی هستند و خشونت را در مردم تقویت کرده‌اند. فساد و اعتیاد در آن بیشتر از زمان شاه است. این رژیم کارایی ندارد، اهدافش روشن نیست و واپس‌گراست. اعتراضات و مبارزات مردمی برای تغییر آن ادامه دارد.
امام خمینی (ه)	عادل و بخشنده و مهربان نیست و مردم را به راه راست هدایت نمی‌کند. دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ، ارتجاع سیاه و تحجر است، حرف‌هایش باعث تأسف و خنده‌آور است. فردی منفور که فرح نمی‌تواند در چهره وی بنگرد.
انقلابیون	سازمان‌یافته، دروغ‌گو و فریبکار، خشن، دور از عقل و انصاف، هرج‌ومرج طلب، وحشی و خشن. امام و انقلابیون، بی‌سواد و کوتاه‌فکر بودند و انتقاداتی بی‌جا علیه شاه مطرح می‌کردند.
رژیم پهلوی	باقی ماندن مملکت فقط با رژیم پهلوی و شاهنشاهی ممکن است. اگر این رژیم برود، مملکت هم می‌رود. رژیم پهلوی، با خواست و اراده مردم دوباره باز خواهد گشت و حاکم خواهد شد.
محمدرضا شاه	اعلی‌حضرت، شاه فقید، وطن‌پرست و فداکار، عقاب اوپک، مهربان، به فکر توسعه ایران، با گذشت نسبت به اطرافیان، متعهد و وفادار نسبت به میهن، مظلوم در اثر انقلاب. برای آرام شدن مملکت از کشور خارج شد. حاضر نبود کسی کشته شود. دل‌رحم بود و همه را بخشید.
دربار، خانواده و طرفداران شاه	طرفداران: متمدن، قانون‌مند و آرام فرح: حفظ روحیه و تقویت روحیه شاه و اطرافیان، همراهی با شاه، افتخار به او، اعتقاد راسخ به‌نظام شاهنشاهی و آمادگی برای حاکمیت دوباره پهلوی
نقش آمریکا و انگلیس	دشمنی با شاه و رژیم پهلوی به دلیل سیاست‌های ملی‌گرایانه او در فروش نفت، پشتیبانی از انقلاب اسلامی، آموزش انقلابیون
ایران پیش از انقلاب	در مسیر توسعه و پیشرفت، با تمدن بزرگ، پرافتخار، مورد احترام دیگران
ایران پس از انقلاب	سختی، جنایت و فاجعه، ظلم و بی‌احترامی به زنان، وضعیت بد اقتصادی، جوانان نسل سوخته

۴-۲. مستند «۳۷ روز»

مشخصات مستند:

تهیه کننده: کیوان عباسی

دستیار تهیه: پانته‌آ مدیری

با استفاده از آرشیو: AP, ITN, BBC, HARVARD UNIVERSITY

با حضور (مصاحبه‌شوندگان): محمد مشیری یزدی، معاون بختیار؛ رحیم شریفی، مشاور و همکار بختیار؛ حمید ذوالنور، رئیس شورای نهضت مقاومت ملی؛ منوچهر رزم آرا، وزیر بهداشت بختیار

خلاصه مستند: این مستند درباره دوره نخست‌وزیری شاپور بختیار و بهانه‌ای برای پرداختن به وقایع ماه‌های پایانی انقلاب اسلامی و آخرین تحولات آن دوره است. در این مستند تلاش شده است بختیار به‌عنوان یک قهرمان ملی دلسوز وطن و مستقل از شاه که آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را برای مردم فراهم کرده و فردی منطقی و اهل گفت‌وگوست، نشان داده شود. به‌مانند مستند از تهران تا قاهره، در این مستند هم انقلاب اسلامی ایران به‌منزله یک شورش، یک حرکت بی‌بایه و اساس و موقتی، بی‌هدف، بی‌برنامه که منجر به دیکتاتوری شده، تصویر و توصیف گردیده است.

تمهیدات گفتمانی این مستند

مستند «۳۷ روز - شاپور بختیار»، که به ۳۷ روز معروف است، بختیار و امام خمینی (ه) را در مقابل هم قرار می‌دهد و مقایسه می‌کند (انسجام موضعی)؛ مقایسه‌ای بر اساس معیارهای بختیار و همفکرانش. گفتمان فیلم، بختیار را فردی آزادخواه، منطقی و نماد دموکراسی و مردم‌گرایی معرفی می‌کند و امام را نماد دیکتاتوری، بی‌منطقی و ...

ذوالنور، از دوستان بختیار در جبهه ملی می‌گوید: «دعوی خمینی و بختیار بر سر قدرت بود. بختیار می‌خواست قدرت را بگیرد و به مردم برگرداند و خمینی می‌خواست بگیرد و مال خودش کند». آخرین جمله‌ای که از بختیار نقل می‌شود این است که «دموکراسی تنها راه نجات ایران است». ایدئولوژی پنهان در این مستند، نمایش دموکراسی بختیار در مقابل آنچه دیکتاتوری [امام] خمینی خوانده می‌شود، است.

در این مستند، صرف‌نظر از اینکه بختیار نخست‌وزیر شاه است، سعی می‌شود بختیار فردی مستقل و حتی منتقد برخی سیاست‌های رژیم پهلوی معرفی شود. در ابتدای فیلم او می‌گوید: «پدیده خمینی محصول دولت‌های ناکارآمد قبلی است». راهبرد این مستند این است که بگوید

بختیار، ضعف‌ها و کاستی‌های رژیم شاهنشاهی پهلوی را از میان برده و همه مشکلات منطقی ناراضیان از حکومت را حل کرده است. بختیار: «در مدت این سه هفته دولت من، انحلال ساواک و آزادی قلم و آزادی زندانیان سیاسی و اینها طبق خواسته همه گروه‌های مترقی کشور تأمین شده». با این راهبرد، شبکه من و تو قصد دارد مشکلات رژیم پهلوی را قابل حل و رفع جلوه دهد و ضرورت تغییر رژیم را بی‌معنا نماید.

در این مستند نیز به مانند «از تهران تا قاهره»، ریشه‌های انقلاب به خارج از ایران نسبت داده می‌شود و از «مأموریت انقلابیون برای به نابودی کشاندن ایران» و «دستور از خارج برای ادامه اعتصابات» سخن گفته می‌شود. استدلالش این است که بختیار، مشکلات و ضعف‌های رژیم پهلوی را برطرف و خواسته‌های به‌حق گروه‌های سیاسی را برآورده کرد. پس حالا که آتش انقلاب خاموش نمی‌شود، حتماً توطئه بیگانگان است.

سطوح متفاوت توصیف در این مستند نیز به‌خوبی مشاهده می‌شود. توصیف بختیار و دیدگاه‌های او به‌صورت مثبت، روشن و مبسوط صورت گرفته، اما توصیف جریان مخالف از جمله شخصیت و مواضع امام خمینی^(۵) به‌صورت منفی، بسیار ناچیز و مبهم آمده است. بالاینکه امام خمینی^(۵) دشمن بختیار خوانده می‌شود، در تمام طول فیلم بیش از یکی - دو جمله از سخنان امام نمی‌شنویم، درحالی‌که آرمان‌ها و شعارهای بختیار بارها تکرار می‌شود. امام خمینی^(۵) و مبارزان انقلاب به‌صورت کلیشه‌ای، افرادی متحجر، بی‌سواد و بی‌منطق بازنمایی شده‌اند. مطلوبیت دموکراسی و آزادی به شیوه غربی برای ایران که از شعارهای مهم بختیار است، طبیعی جلوه داده شده است. درحالی‌که شیوه حکومت، برساختی است و باید با توجه به مقتضیات خاص فرهنگی - اجتماعی هر جامعه تعریف و اجرا شود.

این فیلم، تنها روایت نخست‌وزیری بختیار نیست، بلکه درباره مبارزه بختیار با انقلاب و نظام پس از خروجش از کشور نیز هست. بختیار که در آغاز فیلم، ارادتمند به مصدق معرفی شده بود، خود به‌عنوان یک قهرمان ملی تصویر می‌شود که برای آرمان‌های آزادی‌خواهانه و وطن‌پرستانه‌اش تا پای جان ایستادگی می‌کند. این فیلم، در واقع گفت‌وگو یک جریان مبارزه و مقاومت است که همچنان ادامه دارد و بینندگان فیلم را به پیگیری آرمان بختیار که همان نظام سوسیال دموکراسی غربی است، فرامی‌خواند.

جدول ۲. سطوح و ابعاد گفتمان مستند «۳۷ روز»

تخصیص‌کرده و دانشگاهی، امروزی (مدرن)، منعطف، مرد، فداکار، منطقی، آزادیخواه، وطن‌پرست، مردم‌دار، شجاع، مبارز، کسی که ترورش فاجعه و شوک است؛ کوهی که هرچه از او دورتر می‌شویم عظمتش آشکارتر می‌شود.	بختیار (شخصیت)
استقلال، ملی‌گرایی و آزادیخواهی، وابسته نبودن به دربار، قانون‌گرایی، سروسامان دادن به اوضاع آشفته مملکت، سوسیال‌دموکرات واقعی، اولین منتقد حکومت ایران بعد از انقلاب	بختیار (خطمشی و اقدامات)
متحجر و مرتجع، دارای استدلال‌های بی‌پایه و ایدئولوژی غیرمنطقی، ایده‌هایی که در مورد مأموریتش دارد ممکن و منطقی نیست؛ خائن، عامل قتل بختیار	امام خمینی (ره)
آناشپیست، سوءاستفاده از آزادی، انحصارطلب، مأموریت دارند ایران را به نابودی بکشانند.	انقلابیون
تشنجات، مسئله، بلا، غائله و فتنه، بی‌قانونی، کشتن سران رژیم سابق، دستور خارجی	انقلاب اسلامی
دیکتاتوری جدید، دیکتاتوری، خفقان و استبداد، حکومت قرون‌وسطایی، نبود آزادی و وجود فساد زیاد	نظام جمهوری اسلامی
دولت‌های ناتوان، رژیم استبدادی و دیکتاتوری ۲۵ ساله؛ با وجود این، بهتر از نظامی است که انقلابیون بنا خواهند کرد.	رژیم پهلوی

۴-۳. مستند «رضاشاه»

مشخصات مستند:

تهیه‌کننده: آرش آشتیانی

نویسنده: نوید غضنفری

پژوهشگر: صبا خویی

مدیر تولید: ملیکا کسوانی

آرشیو: *APTN, ITN Source, IAN, Movie tone News, British Path, Chromos*

Media, Critical Past, National Iranian Radio & Television

خلاصه مستند: این مستند، داستان به قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی است. فیلم، تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران را از سال ۱۲۷۵، صدمین سال تأسیس سلسله قاجار، مرور می‌کند و با اشاره به اوضاع اسفناک ایران قبل از روی کار آمدن رضاشاه، چگونگی به قدرت رسیدن او را توضیح می‌دهد و در ادامه با روایت یکجانبه خدمات عمرانی، علمی، فرهنگی و بهداشتی رضاشاه، او را به‌عنوان یک خدمتگزار و منجی ایران از فقر و بدبختی و فلاکت و ویرانی معرفی می‌کند. در پایان نیز به داستان تبعید او به خارج از ایران و مرگش در غربت می‌پردازد.

مستند «رضاشاه» نخستین بار در مردادماه ۱۳۹۲ به مناسبت سال مرگ رضاشاه (۴ مرداد ۱۳۲۳) از شبکه من و تو پخش شد. فیلم در آغاز روی یک خط ثابت و تنها با فهرست کردن اقدامات رضاشاه در زمینه سازندگی پیش می‌رود. بر اساس روایت این مستند، رضاشاه، ایران را از کشوری ویرانه در زمان قاجار تبدیل به کشوری در حال توسعه کرد. این روایت تنها با استناد به کارهای عمرانی رضاشاه از جمله احداث راه‌آهن سراسری یا تأسیس نهادهای جدید مانند ارتش یکپارچه، شهربانی، دادگستری، آموزش عمومی، دانشگاه، وزارت بهداشت و غیره است و در آن اشاره چندانی به رویکردهای سیاسی، اجتماعی و مدنی رضاشاه از زوایای مختلف نمی‌شود و هیچ دیدگاه انتقادی مطرح نمی‌گردد؛ دوران قاجار نیز به تمامی، تیره‌وتار ترسیم شده است.

تمهیدات گفتمانی این مستند

در این مستند، با تأکید بر اینکه مردم، دولتمردان، نمایندگان مجلس، علما و روحانیون دسته‌دسته به منزل رضاخان می‌رفتند و خواستار پایان قاجاریه می‌شدند و نیز اشاره به سخنرانی مصدق در مجلس در تأیید رضاخان و نمایش تصاویری از همراهی جمعی از روحانیون در مجلس با رضاخان، مشروعیت بخشی به سلسله پهلوی صورت می‌گیرد.

تأکید بر تقابل شدید و تفاوت آشکار رضاشاه با پادشاهان پیشین ایران، مانند اینکه بر خلاف آنها اهل تشریفات نبود، مرد عمل بود، می‌خواست لباس کار بپوشد و به‌طور مستقیم انجام درست امور را تحت نظر قرار دهد، برعکس شاهان قاجار شیفته غرب نبود، عاشق سفر به فرنگ نبود، پس از مدت‌ها، ایران فردی را می‌دید که می‌خواست کشور را از سستی و رخوت درآورد... سعی دارد از رضاخان، یک شاه متفاوت با همه پادشاهان قبلی بسازد؛ پادشاهی اسطوره‌ای که فقط به فکر آباد کردن میهن خود است. تا از این طریق، چهره‌ای مثبت از سلسله پهلوی ارائه دهد.

مطابق با مربع ایدئولوژیک در گفتمان، اعمال بد رضاخان، کوچک جلوه داده یا توجیه می‌شود. برای نمونه، قانون وحدت لباس، (شامل کلاه‌فرنگی و کشف حجاب) از الزامات مدرنیته و برآمده از حس وطن‌پرستی رضاخان عنوان می‌شود یا همراهی نکردن او با مجلس شورای ملی به وضع بد جسمانی‌اش و مصالحه‌های متعدد با نمایندگان ربط داده می‌شود. همچنین ضعف سیاست خارجی حکومت او - چنان‌که سفر به ترکیه تنها سفر خارجی او بود - با عنوان مستقل بودن و مسحور غرب نبودن توجیه می‌شود.

رضاخان در بخش‌هایی از فیلم، فردی معتقد به قرآن و زیارت اهل بیت علیهم السلام نشان داده می‌شود و در جایی به صراحت گفته می‌شود که «صد مذهب نبود، اما میان اسلام و تجدد منافاتی نمی‌دید». مخالفت تدریجی علما و روحانیون با او نیز به انگیزه صنفی و شخصی روحانیون ربط داده می‌شود: «با تصویب قانون مدنی، به تدریج از نفوذ روحانیون در جامعه کاسته و عرصه فعالیت آنها به امور شرعی محدود شد... مخالفت روحانیون با کلاه شاپو به دلیل آن بود که حضور آنها را در جامعه محدود می‌کرد». پس از استعفای رضاشاه، ذکر این جمله که: «متن سوگندنامه پسرش ارجاعات الهی و مذهبی پررنگ‌تری داشت»، نوعی تغییر در رویکرد تلقی می‌شود؛ به طور تلویحی یعنی محمدرضاشاه با قشر مذهبی بهتر کنار می‌آید.

جدول ۳. سطوح و ابعاد گفتمان در مستند «رضاشاه»

تأیید برخی علما و روحانیون و همراهی با رضاخان در اخذ پادشاهی. عامل ناکامی در تشکیل جمهوری و طرفداری از نظام سلطنتی (آیت‌الله مدرس)، سنتی و ضد مدرنیته، لزوم محدود شدن به مسائل شرعی مردم.	علما و روحانیون و امام خمینی (ره)
فردی با پشتکار که خودش بله‌های ترقی را پیموده، متعهد، مسئولیت‌پذیر و قابل اعتماد، فداکار برای میهن، مدیر کارآمد، ناجی ایران، به‌شدت میهن‌پرست، تنبیه رجال بی‌کفایت و خائن، تمهد به استقلال و وابسته نبودن به انگلستان، کسی که بیش از هر چیز در زندگی، عاشق وطنش بود.	رضاشاه (شخصیت)
برخلاف سنت پادشاهان پیشین، دور از تشریفات بود. تلاش بی‌امان برای نوسازی ایران، او را به «پدر ایران نوین» و «معمار تاریخ ایران در قرن ۲۰» بدل کرد. قابل قیاس با امیرکبیر، در تقابل با قاجاریه و احمدشاه؛ او توانمند و مستقل بود و غرب‌زده نبود. خود، مقام پادشاهی ایران را به دست آورد. حکومتش، نمونه یک دموکراسی در آسیا و حتی در اروپاست.	رضاشاه (سیاست‌ها و خدمات)
ناگوار، بدوی، دهقانی، از هم پاشیده و ویران	اوضاع ایران پیش از رضاشاه
آباد و دارای ارتش یکپارچه، امنیت، قانون مدنی، راه‌آهن، آموزش، بهداشت، بیمارستان، واکسیناسیون، راه، قوانین رانندگی، شیرخوارگاه، تقویم خورشیدی، بانک، بیمه، موزه، رادیو و ...	اوضاع ایران پس از رضاشاه

۴-۴. مستند «آدرس؛ بهارستان»

مشخصات مستند:

تهیه‌کننده: شیدا هوشمندی، سام غفار زاده

نویسنده: سام غفار زاده

مدیر تولید: ملیکا کسوانی

آرشیو: *APTN Archive, ITN Source*

خلاصه مستند: این فیلم مروری بسیار گذرا بر تشکیل مجالس اول تا نهم شورای اسلامی دارد. فیلم با نمایش تصاویری از مهم‌ترین وقایع انقلاب اسلامی شروع می‌شود و به ترتیب، به مجالس اول تا انتخابات مجلس نهم و مهم‌ترین اتفاقاتی که در دوره هر مجلس روی داده است، اشاره می‌کند.

تمهیدات گفتمانی این مستند

روایت این مستند، کاملاً بر اختلافات و جدایی‌های اشخاص و گروه‌ها و جناح‌های سیاسی تکیه دارد و توصیف مفصل و اغراق‌آمیزی از آن صورت می‌دهد. کوچک‌ترین اشاره‌ای به همکاری، همراهی و تعامل بخش‌های مختلف نظام در برهه‌هایی مانند جنگ و سایر بحران‌ها نمی‌کند. درحالی‌که اگر این تعامل مؤثر میان سران و بخش‌های مختلف نظام از جمله دولت و مجلس وجود نداشت، تداوم انقلاب غیرممکن بود.

اگرچه این مستند براساس نام خود قصد دارد به دوره‌های مختلف روی کار آمدن مجلس شورای اسلامی بپردازد، وقایع را چنان گزینش و روایت می‌کند که تاریخ سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را به نزاع پی‌درپی بر سر قدرت و تلاش برای از میدان به در کردن مخالف فرو می‌کاهد.

برخلاف مستندهای «رضاشاه»، «هرگز ن خواب کوروش» و حتی «۳۷ روز» که بیشتر در مورد «اقدامات» مثبت رژیم پهلوی صحبت می‌شود، در این مستند، بیشتر «عقاید و صف‌بندی‌های سیاسی» بررسی می‌شود و کوچک‌ترین سخنی از اقدامات مثبت جمهوری اسلامی به میان نمی‌آید.

این مستند، به‌طور تلویحی، درباره نبود آزادی فکر، عقیده، پذیرش آرای گوناگون و تحمل مخالف در جمهوری اسلامی است. شورای نگهبان، رهبری، قوه قضائیه و نیروهای امنیتی، به‌عنوان مخالفان قانونی و سازمان‌یافته آزادی‌های مدنی معرفی می‌شوند.

امام خمینی^(۵) و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان دو رهبر جمهوری اسلامی، در این مستند، به‌طور مشابهی تمامیت‌خواه و قدرت‌طلب معرفی می‌شوند که به خواست و رأی مردم بی‌اعتنا هستند و تنها نظر و دیدگاه خود را تحمیل می‌کنند.

دیکتاتوری، تمامیت‌خواهی و تحمل نکردن مخالف که در این مستند، جمهوری اسلامی بدان متهم می‌شود، به گواه تاریخ در دوره رضاشاه بیشتر بوده، اما در این مستند، هیچ اشاره‌ای به این وجه از شخصیت و حکومت رضاشاه نمی‌شود و تنها اقدامات اجرایی و عمرانی او تحسین می‌شود.

جدول ۴. سطوح و ابعاد گفتمانی مستند «آدرس؛ بهارستان»

امام خمینی(ره)	تلاش برای تصاحب و مصادره انقلاب، حذف گروه‌هایی از انقلاب که همسو با او نبودند.
آیت‌الله خامنه‌ای	دچار اختلاف با میرحسین موسوی، و بعدها هاشمی رفسنجانی. استفاده از حکم حکومتی در مجلس برای مخالفت با اصلاح قانون مطبوعات، تلاش برای قبضه کردن کل قدرت، برگزاری انتخابات نمایشی.
سران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی	آیت‌الله هاشمی و آیت‌الله خامنه‌ای: در حذف بنی‌صدر نقش مهمی داشتند و خود بعدها دچار اختلاف شدند. رجایی: مرید و همسو با امام که از سوی مجلس به بنی‌صدر تحمیل شد. آیت‌الله خامنه‌ای: مطیع امام که بعدها همه ارکان حکومت را یکدست و مطیع خود می‌خواست. خلخالی: شعار «مرگ بر خائن» به بازرگان در مجلس داد که خود بعدها از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شد. خاتمی: نگارش ۳ مقاله در کیهان در نقد بازرگان که خود بعدها در ایجاد اصلاحات ناکام ماند. مردم: در ابتدای انقلاب، پیرو کورکورانه امام و یاران او بودند، اما بعدها از فضای بسته سیاسی خسته شدند و خواهان تغییرات هستند.
نظام جمهوری اسلامی	از ابتدا بر مبنای آرمان یکدستی و همسویی با امام خمینی ^(۶) بنیان گذاشته شد. سران آن، جنگ‌طلب و سلطه‌طلب هستند و به رفاه و آسایش مردم اهمیت نمی‌دهند. نزاع بر سر قدرت در آن به‌شدت جریان دارد و رابطه بخش‌های مختلف نظام با واژگان حذف، دخالت، اختلاف، کنار گذاشتن و تقابل توصیف شده است. بی‌اعتمادی و بی‌اعتمادی به آرای مردم و نمایشی بودن انتخابات در آن.
حذف‌شدگان از قدرت	بازرگان: نیروی انقلابی که در خط امام بود اما مطیع او نبود. در مجلس اول درباره استبدادی شدن حکومت هشدار داد و با انتقادات تندی مواجه شد. نهیض آزادی: نهضت آزادی اقلیت کوچک اما مؤثر در مجلس اول که در مجلس دوم رد صلاحیت شدند. بنی‌صدر: فردی محبوب و مردمی که همسو با امام نبود و کنار گذاشته شد. استقلال و آزادی عمل او از سوی طرفداران خمینی ^(۷) در مجلس گرفته شده بود. آیت‌الله منتظری: جانشین امام خمینی ^(۸) که با اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی، از قدرت کنار گذاشته شد. حزب توده (دبیر: کیانوری) از احزاب چپ که فعالیتشان محدود شد. مسعود رجوی: از انقلابیونی که از قدرت حذف و از کشور خارج شد.

۴-۵. مستند «هرگز نخواست کوروش»

مشخصات مستند:

تهیه‌کننده: رها اعتمادی

با حضور (مصاحبه‌شوندگان): عبدالرضا انصاری، فرح پهلوی و داریوش شفا خلاصه مستند: فیلم مستند «هرگز نخواست کوروش» روایت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران است که در مهر ۱۳۵۰ از سوی محمدرضا پهلوی و با حضور سران و مقامات بیش از ۶۸ کشور جهان در تخت جمشید برگزار شد. در این مستند تلاش می‌شود دلایل برگزاری این جشن‌ها، هزینه‌های صرف شده برای آن و نیز تدارکات صورت گرفته برای آن توجیه شود. مهم‌ترین دلیل برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله که عنوان دقیق و رسمی آن «۲۵۰۰ امین سال شاهنشاهی کوروش بزرگ» بود نیز آشنایی ایرانی‌ها و سایر ملل با تاریخ و تمدن و فرهنگی ایران عنوان می‌شود.

این مستند علاوه بر گفتار متن، شامل سه مصاحبه با عبدالرضا انصاری، مدیرعامل وقت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ایران و مسئول مستقیم برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله؛ فرح پهلوی، همسر محمدرضا شاه پهلوی و داریوش شفا، فرزند شجاع‌الدین شفا، مشاور فرهنگی دربار شاه است.

تمهیدات گفتمانی این مستند

در اشاره کوتاهی که در فیلم به مخالفان برگزاری جشن‌ها می‌شود، فیلم از دو فن گفتمانی بهره می‌گیرد: اول، نادیده گرفتن و دوم، توجیه. مخالفان داخلی جشن‌ها، احزاب چپ عنوان می‌شوند با این توجیه که آنها با همه اقدامات شاه مخالف بودند. مخالفان خارجی نیز سازمان‌ها و دولت‌هایی خوانده می‌شوند که از افزایش درآمد نفتی دولت و پیشرفت سریع کشور نگران بودند. اما هیچ سخنی از مخالفت امام، روحانیون، حوزه و دانشگاه به میان نمی‌آید. درحالی که امام خمینی^(۵) پیش از برگزاری این جشن‌ها، در تاریخ ۱/ ۴/ ۱۳۵۰، آن‌را محکوم کرده و جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را «ملعبه و مضحکه‌ای برای نمایش هوای نفس شاه» خوانده بود. (صحیفه امام، جلد ۲: ۳۶۴)

این فیلم کاملاً بر اساس مربع ایدئولوژیک گفتمانی ساخته شده و روایت می‌شود. برگزاری این جشن‌های شاهنشاهی به‌عنوان یکی از اعمال خوب ما (رژیم پهلوی) بزرگنمایی می‌گردد و با ذکر جزئیات به شرح کامل وجوه مثبت آن پرداخته می‌شود (توصیف). اما از اعمال بد این رژیم که در همان زمان صورت می‌گرفت، مانند حیف و میل بیت‌المال در عین فقر و درماندگی

اقتشاری از مردم، فساد مالی و اخلاقی دربار و خانواده شاه، قاچاق مواد مخدر و رواج اعتیاد و فساد در بین جوانان از سوی اعضای خانواده شاه و ... هیچ صحبتی نمی‌شود.

در این فیلم هم تلاش می‌شود از تفاوت و تقابل رژیم پهلوی و نظام جمهوری اسلامی به نفع رژیم پهلوی استفاده شود. در این مستند، شاه پهلوی، میراث دار هخامنشیان و کوروش کبیر، دوستدار حقوق بشر که با افتخار به فرهنگ باستانی خویش درصدد محکم کردن جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی است، نمایش داده می‌شود.

طبیعی سازی از دیگر فنون رایج در این مستند است. با تکیه بر کوروش و هخامنشیان که سابقه‌ای ۲۵۰۰ ساله دارند، رژیم پادشاهی و شاهنشاهی در ایران، طبیعی جلوه داده می‌شود. در مجموع، در این مستند، دلایل برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و نیز اقداماتی که به واسطه برگزاری این جشن‌ها قبل و بعد از آن انجام شد مطرح می‌گردد و عملکرد محمدرضا شاه و افراد دولت و دربار او در این باره بسیار خوب و بجا عنوان می‌شود. آشنایی مردم ایران و دیگر ملل با تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران، بازگرداندن هویت ملی به ایرانیان، بیرون آمدن ایران از انزوا و غربت، ایجاد پرستیژ برای ایران و ایرانی و نشان دادن عظمت ایران باستان از مهم‌ترین دلایل برگزاری این جشن‌ها اعلام می‌شود. هزینه برگزاری این جشن‌ها نیز با جشن‌هایی که در انگلستان و فرانسه برگزار شده است، مقایسه می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود، هزینه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بسیار کم بوده است.

در این مستند، ساخت بیش از ۲۵۰۰ مدرسه، ساخت موزه‌ها، هتل‌ها، جاده‌ها، فرودگاه‌ها و ورزشگاه، به‌عنوان دستاورد جانبی و مردمی برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تلقی می‌شود. در بعد بین‌المللی نیز، ارزش پیدا کردن پاسپورت ایران، استقبال از ایرانی‌ها در هر کشور، احترام پیدا کردن ایرانی‌ها در تمام دنیا، و شناخت فرهنگ و تمدن ایران به‌عنوان نتیجه برگزاری جشن‌ها اعلام می‌گردد.

در این مستند، اگرچه به برخی گروه‌های مخالف داخلی و خارجی برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ اشاره می‌شود، اما به مخالفت گروه‌هایی مثل روحانیون و مردم با این برنامه هیچ اشاره‌ای نمی‌گردد و حتی مخالفت مردم با این جشن‌ها را متأثر از شایعاتی می‌داند که مخالفان شاه در ایران آنها را می‌ساختند.

جدول ۵. سطوح و ابعاد گفتمانی مستند «هرگز خواب کوروش»

عقب‌افتاده، جهان‌سومی، پر از کمبود، خانه خرابه	اوضاع ایران پیش از جشن‌ها
ایرانی‌ها در دنیا احترام پیدا کردند؛ مسئله ایران مطرح شد، تاریخ ایران مطرح شد، تمدن ایران مطرح شد... بعد از این ایران در تمام دنیا شناخته شد. هر ایرانی به هر کشوری که مسافرت می‌کرد، با آغوش باز مورد استقبال قرار می‌گرفت؛ پاسپورت ایران در دنیا آن زمان ارزش پیدا کرده بود.	اوضاع ایران پس از جشن‌ها
برای آبروی مملکت، بنای محکم، مایه پیشرفت و آبادانی مملکت که نه تنها هزینه چندانی نداشت بلکه همراهش، کارهای عمرانی و خیرخواهانه زیادی برای مردم انجام شد. مخالفان جشن‌ها، یا از مخالفان شاه و رژیم پهلوی بودند یا سازمان‌ها و دولت‌های خارجی که نسبت به سیاست‌های توسعه‌گرایانه شاه نگران بودند.	جشن‌های ۲۵۰۰ ساله
نخستین امپراتوری تاریخ‌ساز جهان، اولین سازمان ملل متحد تاریخ و مسیح خداوند، سرمایه	ایران باستان
افتخار به فرهنگ ایران باستان، دوستدار حقوق بشر، ادامه سلسله کوروش کبیر و هخامنشیان	رژیم پهلوی
مسئولان جمهوری اسلامی برخلاف دوره پهلوی، چیزی از میراث فرهنگی نمی‌دانند و علاقه‌ای به ایران باستان ندارند. آنها عقاید خشن و ترسناکی دارند و هیچ ارزشی برای میراث فرهنگی - هنری قائل نیستند. گذشته ایران بسیار ستودنی بوده و حال آن بسیار تأسف‌برانگیز است.	جمهوری اسلامی ایران

۵. بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله، به سیاست - سرگرمی به‌عنوان یکی از گونه‌های جدید ارتباطات سیاسی در شبکه ماهواره‌ای من و تو پرداخت. اهمیت این موضوع بدان جهت است که پژوهشگران حوزه رسانه و سیاست معتقدند که نه تنها رسانه‌ها هنوز می‌توانند بر سیاست تأثیرگذار باشند بلکه برنامه‌های سرگرم‌کننده رسانه‌ها می‌تواند منبع جایگزینی برای برنامه‌های خبری - تحلیلی جدی و خشک باشند. در این مقاله، پنج فیلم مستند تاریخی - سیاسی که در شبکه تلویزیونی من و تو تولید و پخش شده است، با رویکرد ون‌دایک مورد تحلیل گفتمان انتقادی قرار گرفت.

از آنجا که تولید معنا با بازنمایی وقایع تاریخی از طریق صورت‌بندی‌ها و تمهیدات گفتمانی شکل می‌گیرد، این مستندها از تکنیک‌هایی چون مربع ایدئولوژیک، قطب‌بندی و دوانگاری،

غیر سازی یا تمایز و تقابل خود و دیگری، کلیشه‌سازی و طبیعی سازی استفاده کرده و گفتمان خود دربارهٔ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را ارائه دادند.

تحلیل این مستندها نشان داد که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان «دیگری» رژیم پهلوی تصویر شده است. امام خمینی^(۵) در مقابل و به‌عنوان «دیگری» شاه پهلوی و طرفداران شاه و رژیم پهلوی و طرفداران امام (نیروهای انقلابی) در مقابل هم تصویر شده‌اند. در این مستندها که تولید شبکه من و تو و منعکس‌کننده دیدگاه‌ها و مواضع گردانندگان این رسانه است، رژیم پهلوی و شاه به‌عنوان «ما» (جبهه خودی) و انقلاب، امام^(۵) و نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان «آنها» (جبهه دشمن) تعریف شده‌اند.

در همه این مستندها، شاه و رژیم پهلوی، میراث‌دار هخامنشیان و کوروش خوانده شده و رژیم پهلوی و شاهنشاهی در ایران، طبیعی جلوه داده شده است. در مقابل، انقلاب اسلامی، نتیجه دخالت بیگانگان و نوعی جابه‌جایی قدرت به‌وسیله ابرقدرت‌های جهانی (به‌ویژه امریکا و انگلیس) خوانده شده است.

آنها به انقلابیون، امام و سران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، به صورت کلیشه‌ای، خشونت، بی‌منطق بودن، قتل و کشتار بی‌گناهان را نسبت داده در مقابل، شاه، دربار و طرفداران رژیم پهلوی را، آرام، مهربان و خوش‌قلب، وطن‌پرست و متمدن تصویر نموده‌اند. امام خمینی^(۵) و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان دو رهبر جمهوری اسلامی، در این مستندها، به‌طور مشابهی تمامیت‌خواه و قدرت‌طلب معرفی شده‌اند که به خواست و رأی مردم بی‌اعتنا هستند و دیدگاه خود را تحمیل می‌کنند.

تاریخ سیاسی - اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز، به کشمکش و درگیری انقلابیون بر سر قدرت و تلاش برای از میان بردن مخالف فرو کاسته شده و بر نبود آزادی و عدم تحمل مخالف در نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است.

در این مستندها، تصاویر آرشیوی با روایت راویان منتخب همراه شده تا با هم آمیختن حقیقت و دروغ، برساخت رسانه‌ای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به مخاطب ارائه شود. این امر، در راستای تولید و اشاعه معانی مرجح شبکهٔ تلویزیونی من و تو، با هدف مشروعیت بخشی به رژیم پهلوی و مشروعیت زدایی از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

همان‌طور که در این مقاله به آن پرداخته شد، گفتمان رسانه‌ای، به معنای پیوند زبان به معنای گفتار، دانش، به معنای معرفت و قدرت به معنای شکل‌دهی به افکار عمومی است و

این از طریق بازنمایی و روایت تاریخ به نفع خود و به ضرر رقیب شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، گفتمان این شبکه، موضع‌گیری و موقعیت آن را آشکار می‌کند.

شبکه من و تو، نه به‌عنوان یک رسانه بی‌طرف و منصف که تنها روایت تاریخی می‌کند، بلکه به‌صورت کاملاً جهت‌دار و هدفمند، تبلیغ رژیم پهلوی و تخریب نظام جمهوری اسلامی را انجام می‌دهد. این شبکه در این مستندها تنها روایت خود از تاریخ معاصر ایران را ارائه نمی‌دهد، بلکه برنامه خود را درباره آینده نیز تبلیغ می‌کند. در بعضی از این مستندها، به‌صراحت در مورد آینده صحبت و مخاطب به تلاش برای بازگرداندن رژیم پهلوی تشویق می‌شود.

تحلیل این مستندها نشان داد که شبکه من و تو از سیاست - سرگرمی برای ترویج و هژمونیک ساختن گفتمان خود که همان اثبات رژیم پهلوی و نفی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران است استفاده می‌کند. این امر را می‌توان بخشی از پروژه جنگ نرم رسانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران به‌حساب آورد.

منابع و مأخذ

- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*. ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران: گام نو، چاپ اول.
- استوری، جان (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده، تهران: آگه.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). *الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- بنت، اندی (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره*. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاووشیان، تهران: اختران.
- بودریار، ژان (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی*. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۸). «بازنمایی اسلام و ایران در رسانه‌های غرب»، *فصلنامه رسانه*، شماره ۹۴: ۹۴-۹۷.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- رابرتسون، الکسا (۱۳۹۶). *رسانه و سیاست در دنیای در حال جهانی شدن*. ترجمه محسن گودرزی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سلطانی، سید علی اصغر و امیرعلی تفرشی (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان برنامه‌های تولیدی شبکه «من و تو»»، *مطالعات رسانه‌های نوین*، شماره ۳، ۱۶۴-۱۲۵.
- سینگ، جی.پی (۱۳۹۵). *قدرت و سیاست فرهنگی در روابط بین‌الملل*. ترجمه عسگر قهرمان‌پور، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ضابطی چهرمی، احمد (۱۳۷۷). «نگرش تئوریک به فیلم مستند»، *فصلنامه نقد سینما*، شماره ۱۳: ۸۹-۸۳.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۹۶). *قدرت ارتباطات*. ترجمه حسین بصیریان، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ماسولنی، جان پیتر و وینفرد شولتز (۱۳۷۹). «رسانه‌ای شدن سیاست؛ چالشی برای دموکراسی»، مترجمان زهره بیدختی و فاطمه فرهنگ‌خواه، *فصلنامه رسانه*، شماره ۴۲: ۲۱-۸.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۲). *بازنمایی ایران در مطبوعات غرب؛ تحلیل انتقادی گفتمان «نیویورک تایمز»، «دی ولت»، «لوموند» و «گاردین»*. پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.

Calvert and Levis (Eds.) (2002). *Television Studies: The Key Concepts*, London: Routledge.

Donsbach, W. (2008) *the International Encyclopedia of Communication*. Blackwell Publishing.

Riebert, K. and Collins, S. (2016). Politainment. *The International Encyclopedia of Political Communication*. 1-11.

Van Dijk, T.A (1995) *Discourse analysis as Ideology analysis*. In C. Schoffner and A. Wenden eds. *Language and pace*, Aldershot: Dartmouth.